

MARVEL

16

LGY#742

CATES
BANDINI
D'AMICO
WILSON

THOR



BARROOM
BONDING
WITH
ODIN!

دورنام

dorname.ir

کابوس بی پایان
است.





این...!

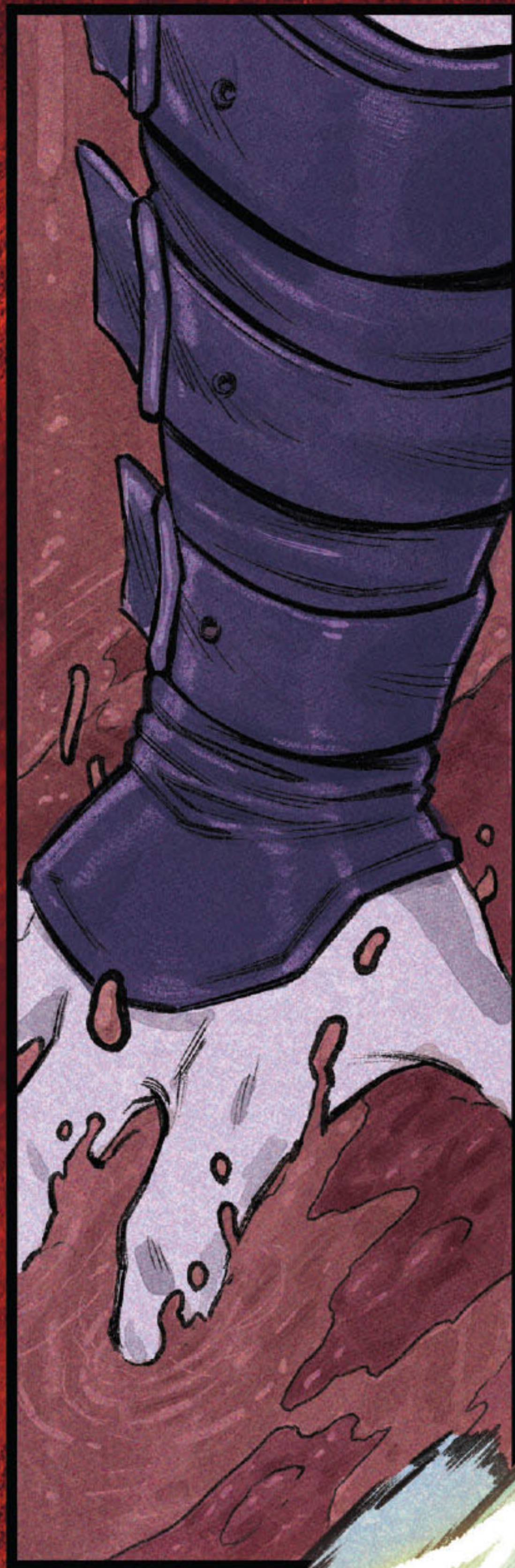
پایان کاره
آزگارد...!

شما
خوب جنگیدید.
امشب در والهالا
میهمان شام خواهید
بود. از این بابت بهتون
قول می دم.

تنها کاری
که باید
بکنید...!



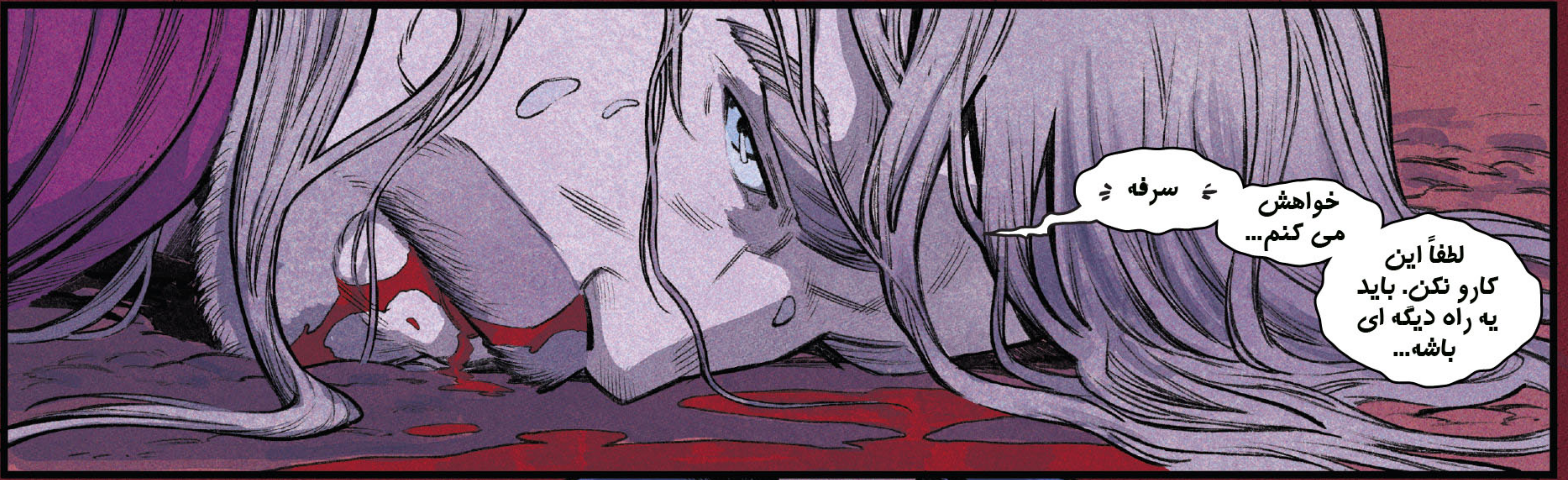
...
سقوطه.



...
نه.

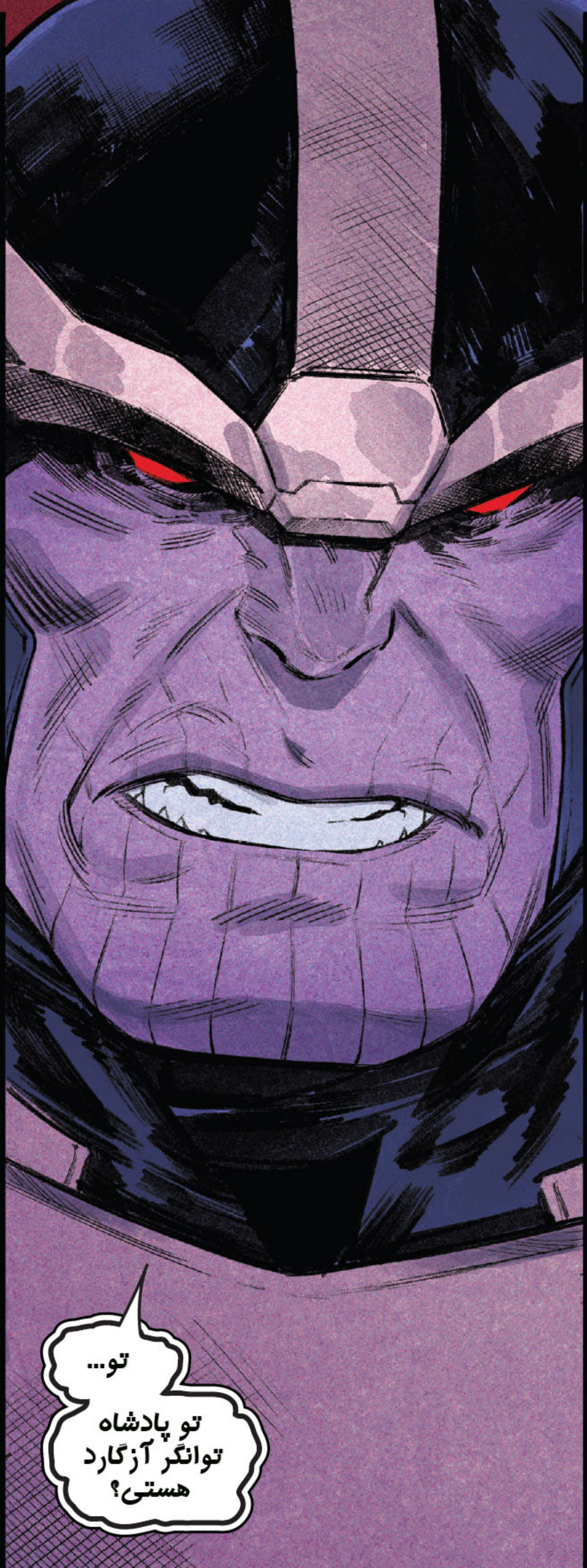


آآآخ!!!



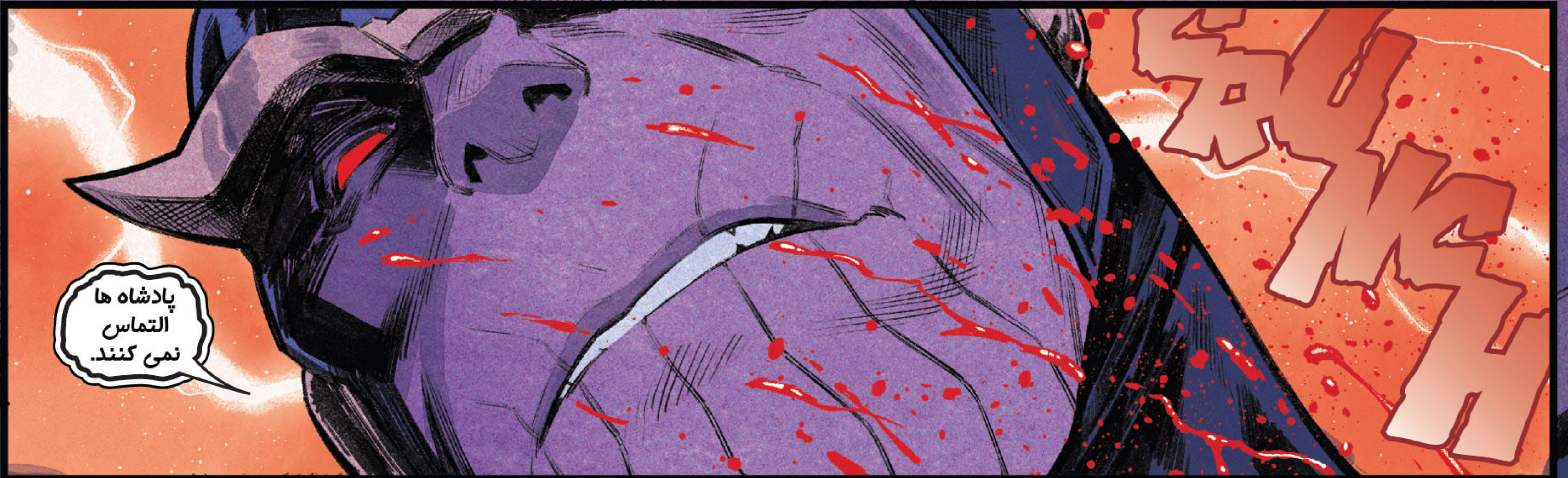
خواهش می‌کنم... سرفه

لطفاً این کارو نکن. باید یه راه دیگه ای باشه...



تو... تو پادشاه توانگر آزگارد هستی؟

آآخخ!



پادشاه‌ها التماس نمی‌کنند.

آآخخ!



هر شب می بینی؟
و تو...
این کابوس رو

من هر
شب نمی خوابم.
ولی آره، جین،
وقتی می خوابم...

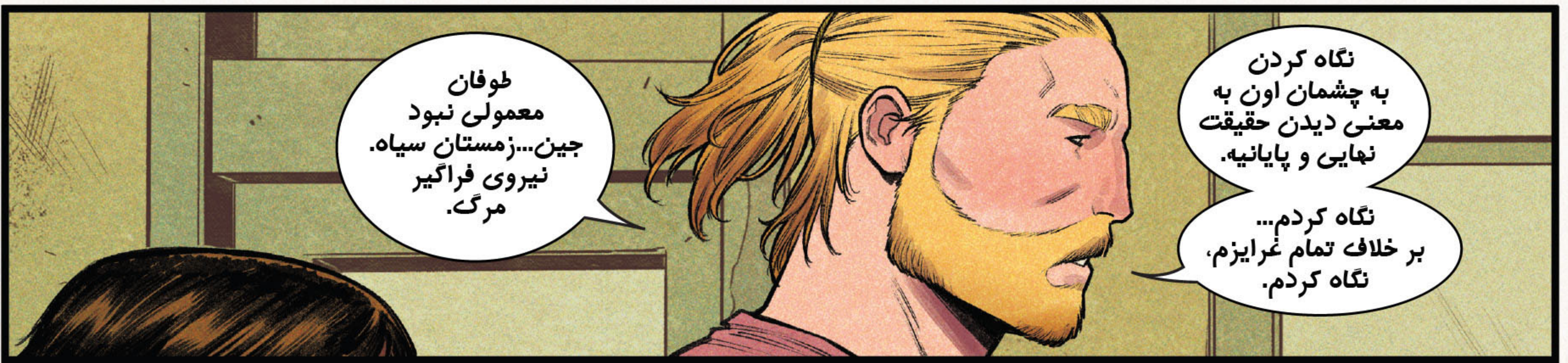
پسر...

عجب،
پسر...
این... خیلی
وحشیانه است.



و... اینجا
به من کمک
می کنی.

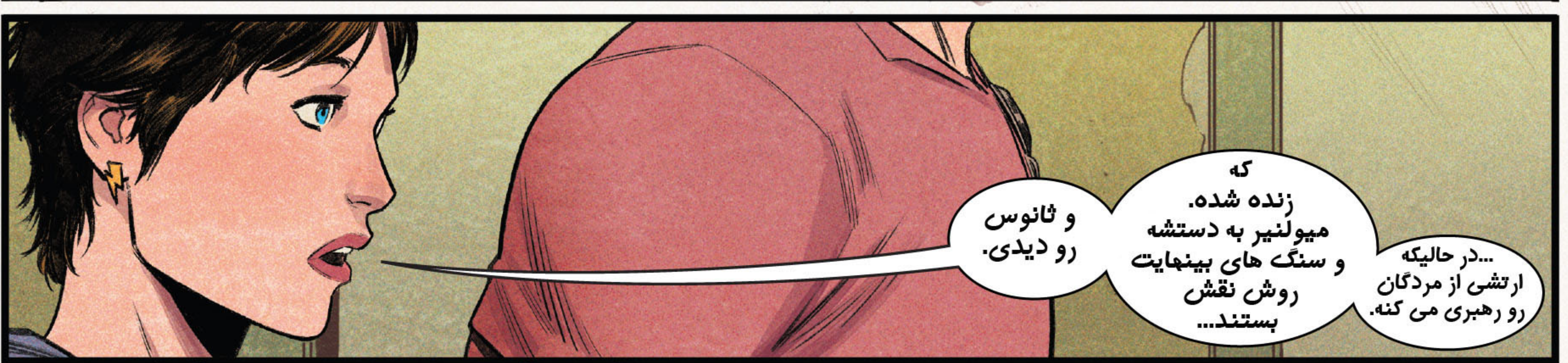
تو داخل
یه... طوفان نگاه
کردی؟ و یه سری الهامات
رو دیدی؟ پیشگویی؟ از
اینکه چطور فراره بمیری؟



طوفان
معمولی نبود
جین... زمستان سیاه.
نیروی فراگیر
مرگ.

نگاه کردن
به چشمان اون به
معنی دیدن حقیقت
نهایی و پایانیه.

نگاه کردم...
بر خلاف تمام غرایزم،
نگاه کردم.



و ثانوس
رو دیدی.

که
زنده شده.
میولنیر به دستشه
و سنگ های بینهایت
روشن نقش
بستند...

...در حالیکه
ارتشی از مردگان
رو رهبری می کنه.

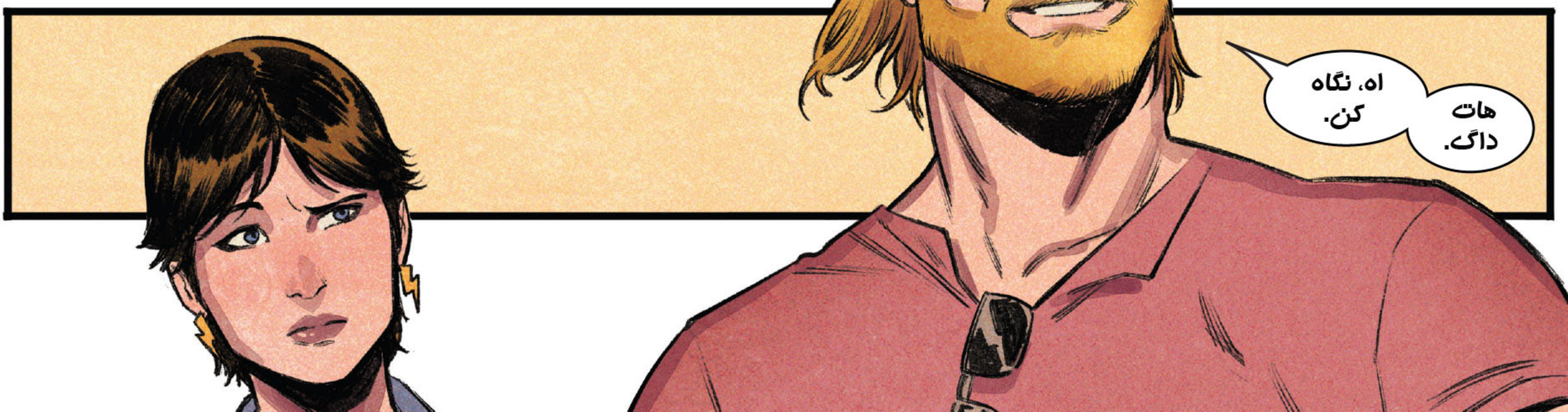
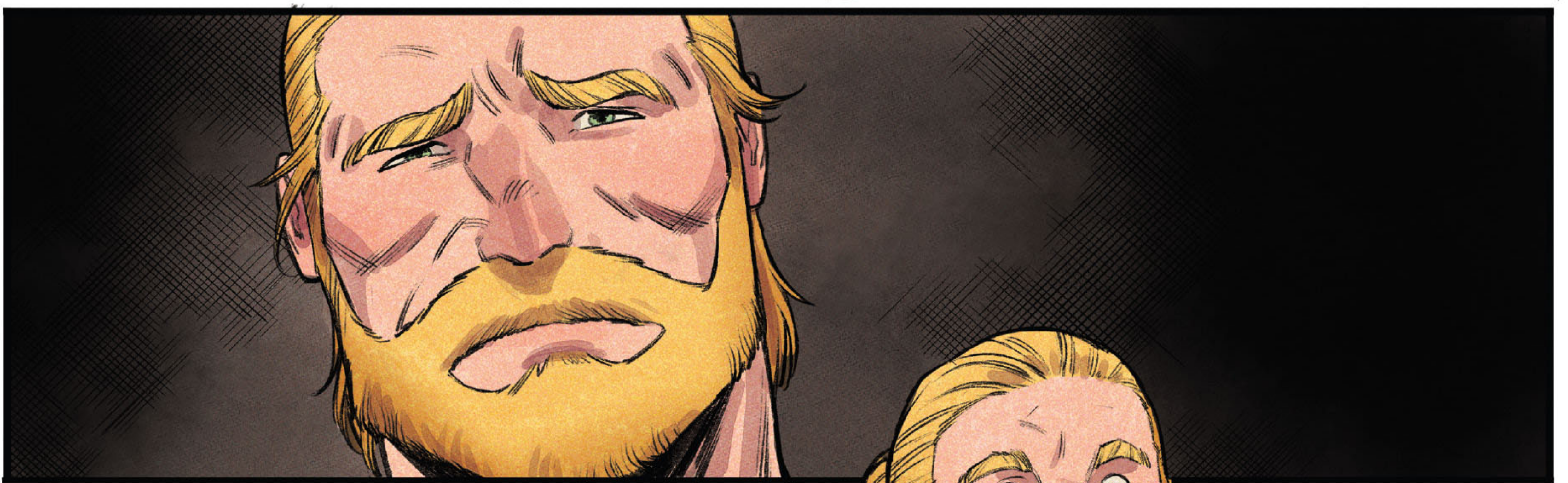


صبر کن...
نه.
صبر
کن.



تو ثانوس
رو دیدی که میولنیر
رو به دست داشت. و یهوایی
خاصیت جادویی اون از بین
رفت و همه می تونستند
اونو بردارند...

و... تو فکر
کردی که بهترین کار
اینه که اونو جایی بذاری که
همه می تونند برن و
برش دارند؟



هات
داگ.
اه، نگاه
کن.



صبر کن!
هی. می بخش
ولی این...

رفیق!



سلام،
چطوری؟ خوب،
خوب.

چهار تا از
اونها به من بده.



بسیار خوب،
عالیه. آره، خردل
هم بریز، زیاد باشه. یه
نوشابه هم بده،
آآره!



بقیه پول
مال خودت... روز
خوش!

چی...

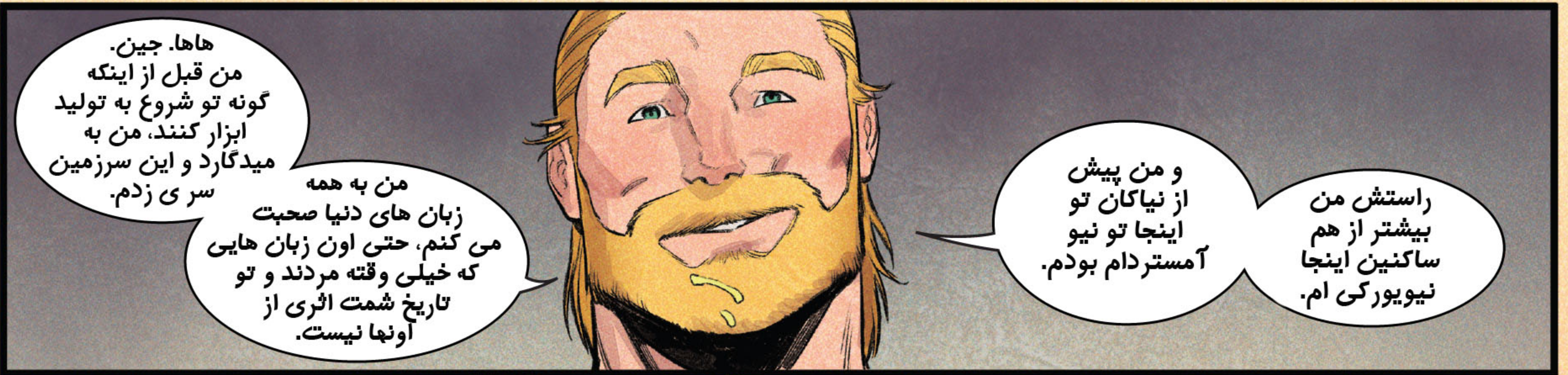


نه. این
سروصداها چی
بود از خودت
درمی آوردی؟

تو هم
می خواستی؟

این چی
بود دیگه؟

اوه.

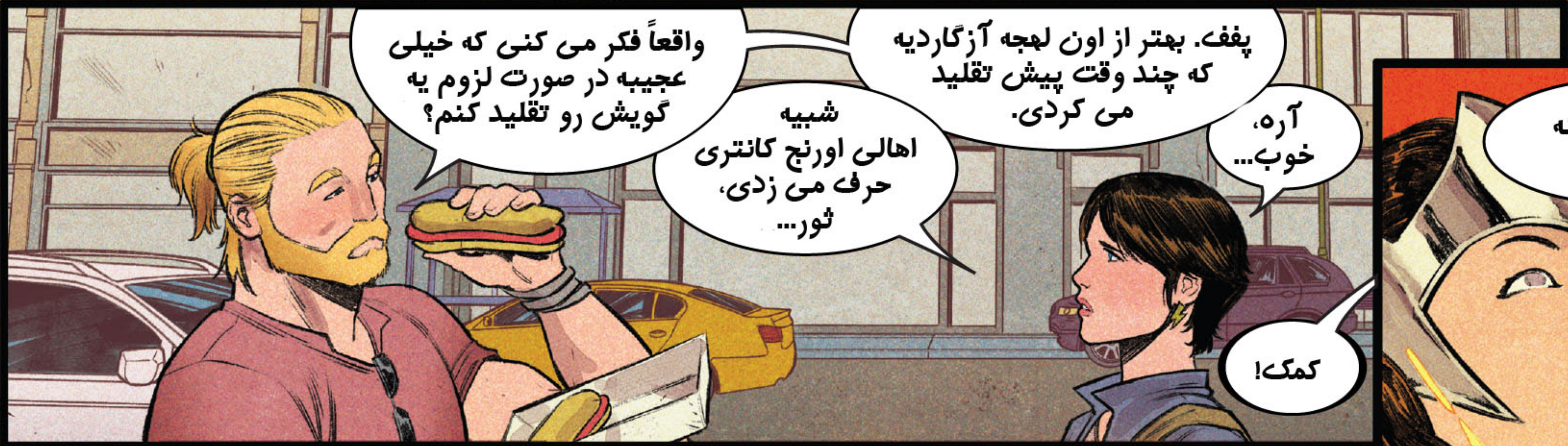


هاها. جین.
من قبل از اینکه
گونه تو شروع به تولید
ابزار کنند، من به
میدگارد و این سرزمین
سری زدم.

من به همه
زبان های دنیا صحبت
می کنم، حتی اون زبان هایی
که خیلی وقته مردند و تو
تاریخ شمت اثری از
اونها نیست.

و من پیش
از نیاکان تو
اینجا تو نیو
آمستردام بودم.

راستش من
بیشتر از هم
ساکنین اینجا
نیویورکی ام.



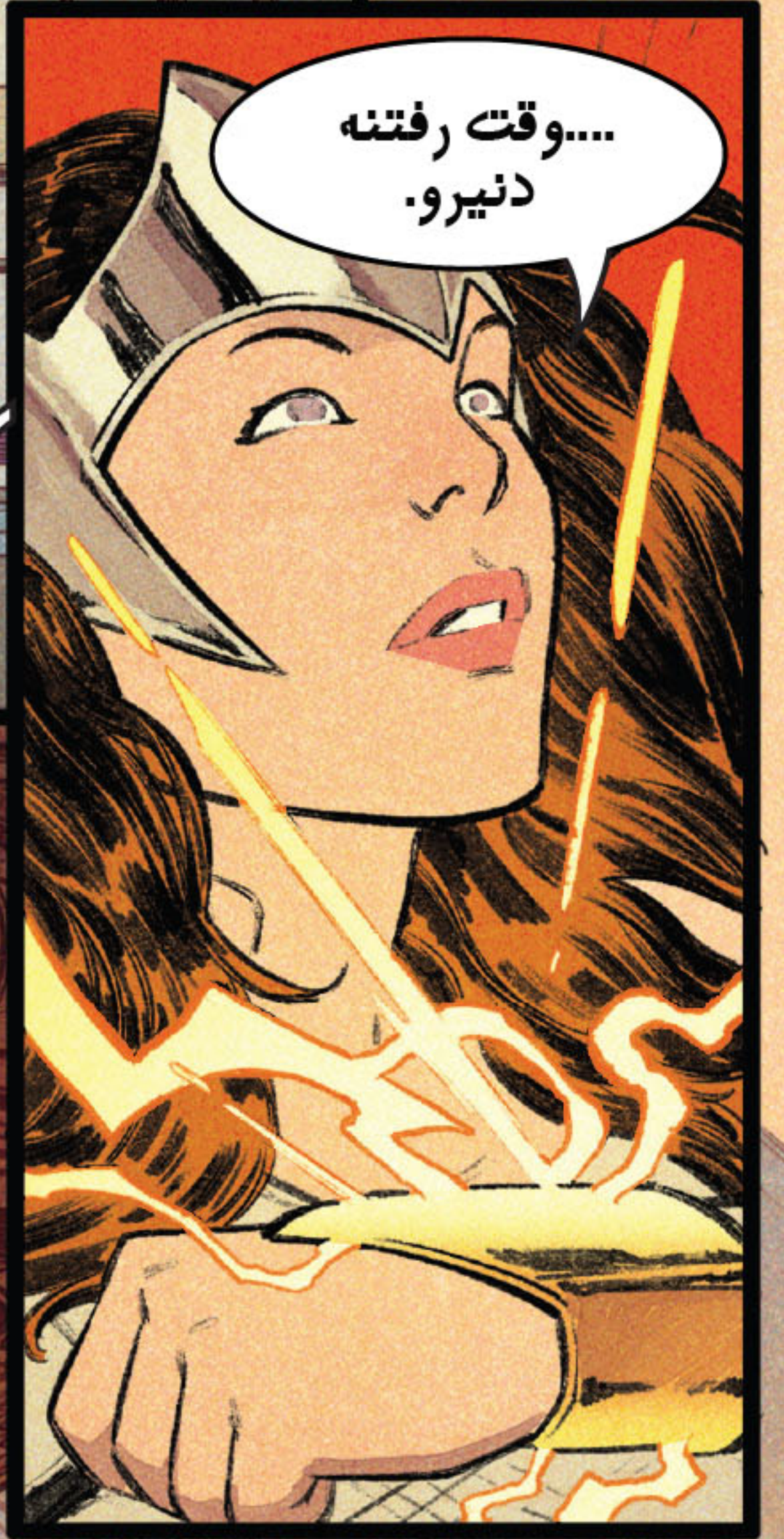
واقعاً فکر می کنی که خیلی
عجیبه در صورت لزوم به
گویش رو تقلید کنم؟

شبیبه
اهالی اورنج کانتری
حرف می زدی،
ثور...

پف. بهتر از اون لهجه آزگاردیه
که چند وقت پیش تقلید
می کردی.

آره،
خوب...

کمک!



...وقت رفتنه
دنیرو.



باید
برم.

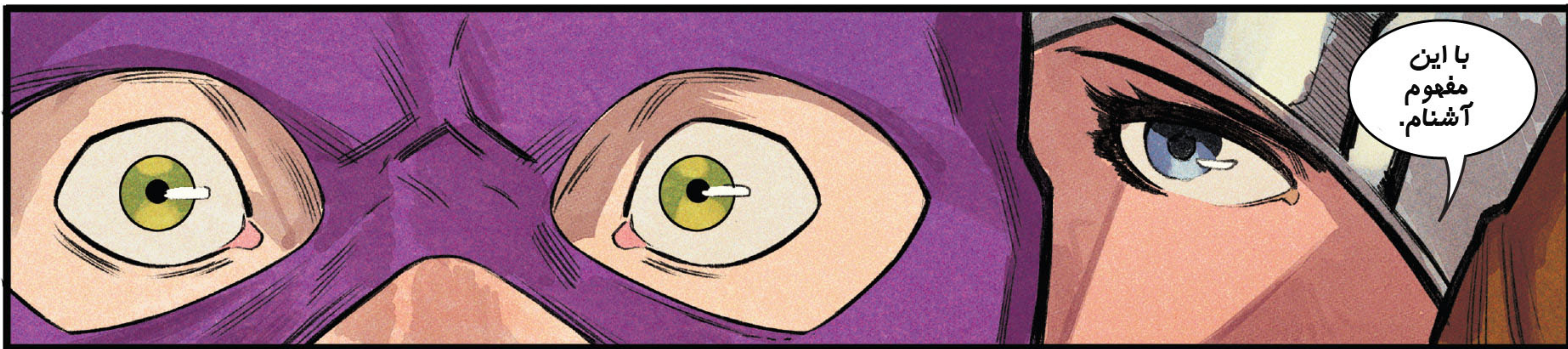
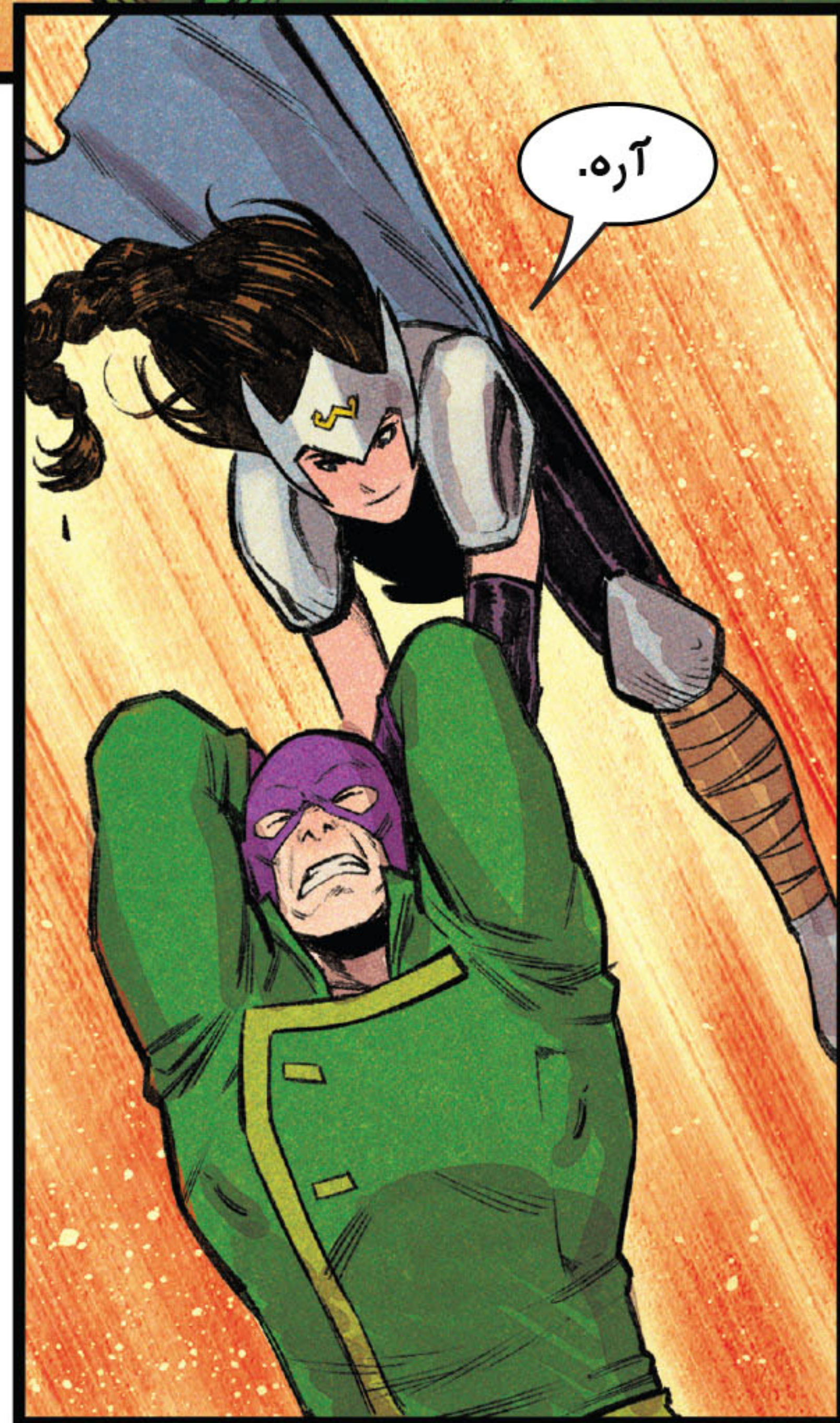
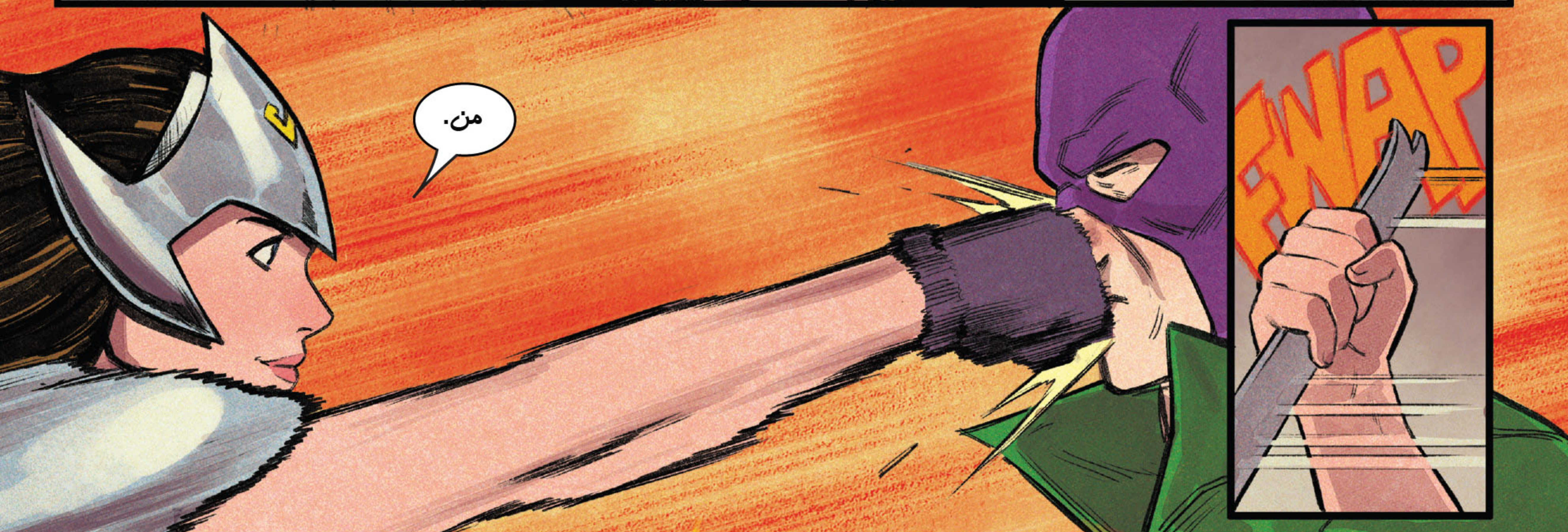
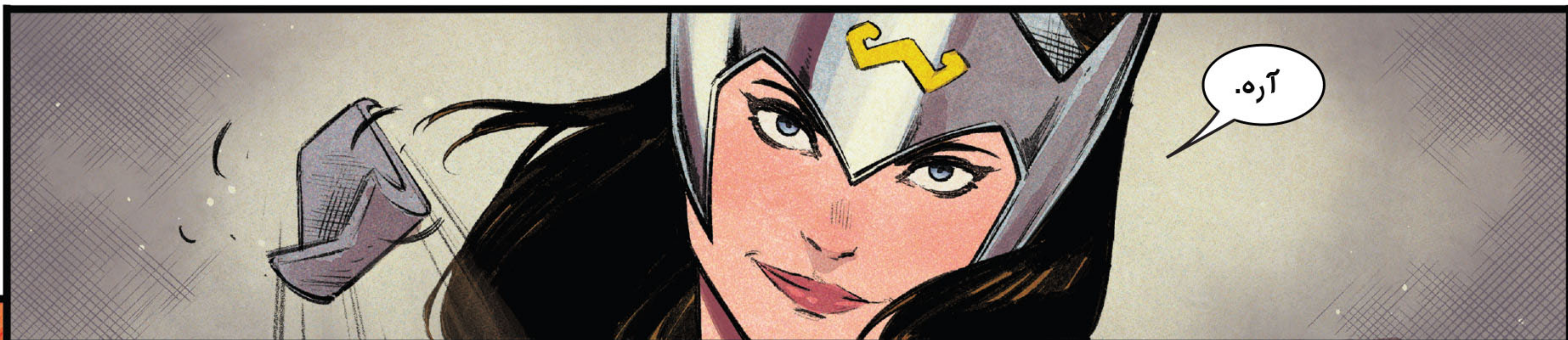
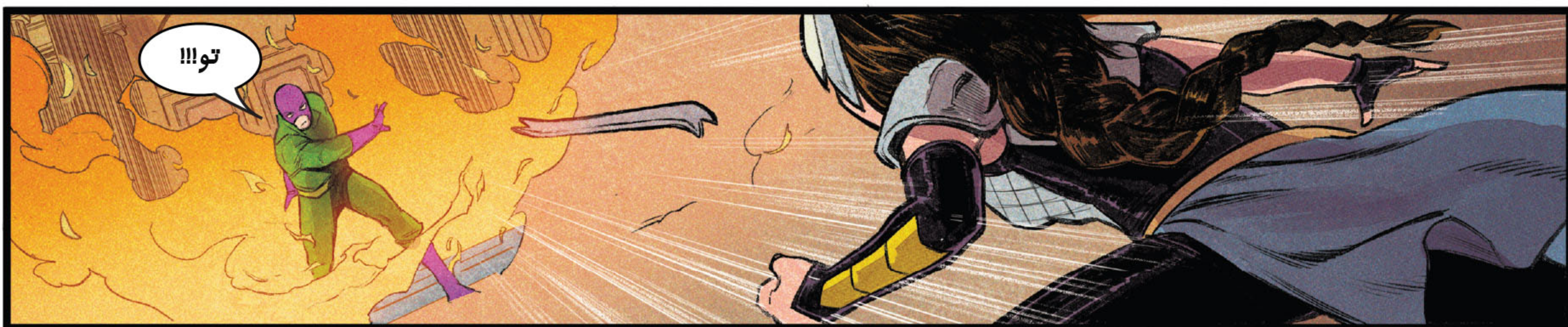
ولی...

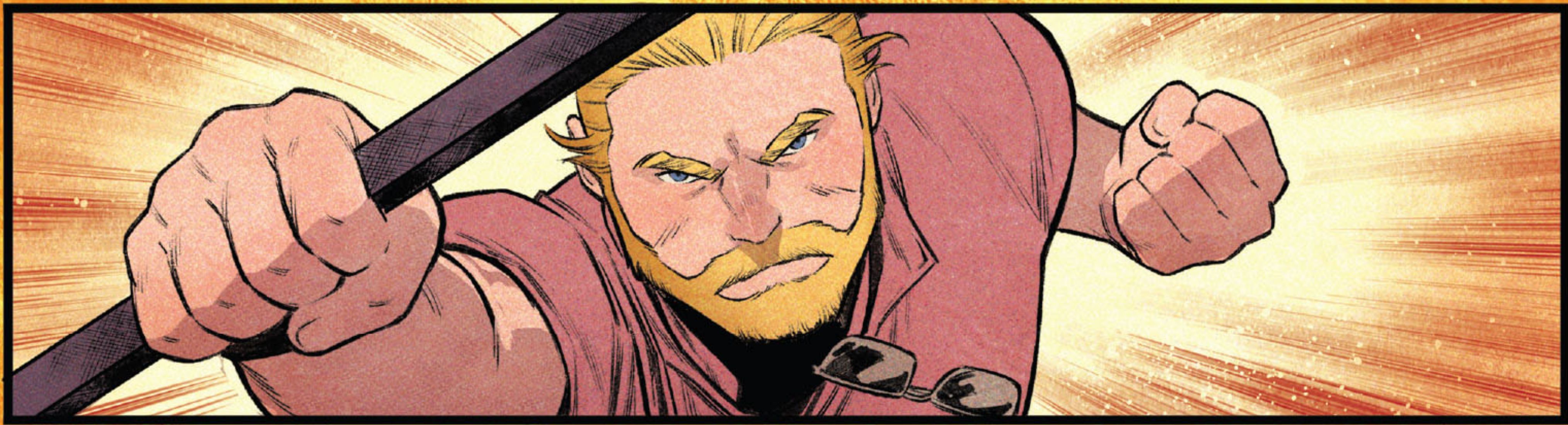
من لباس...

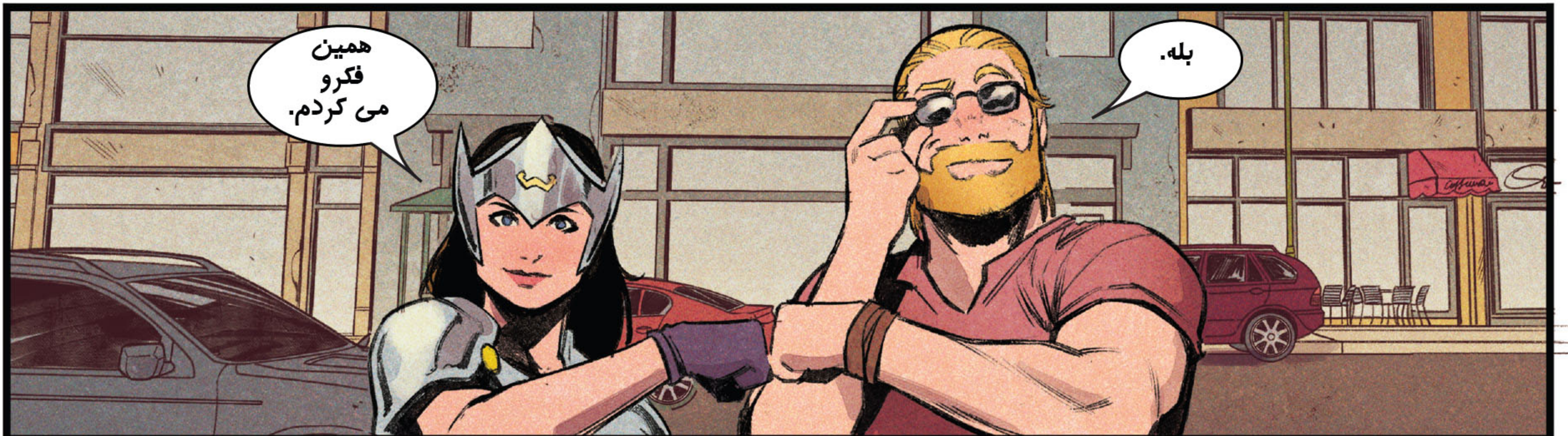
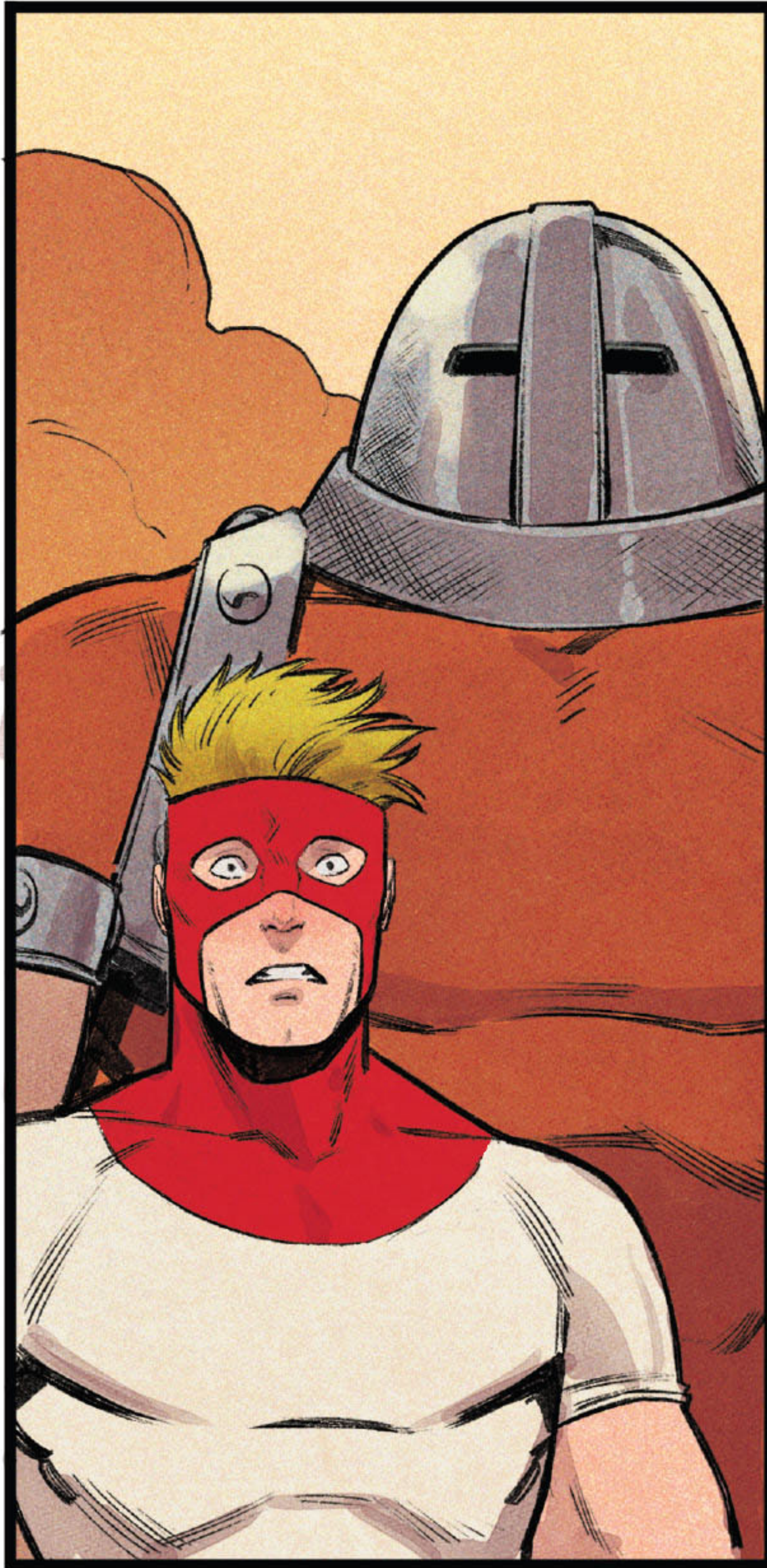
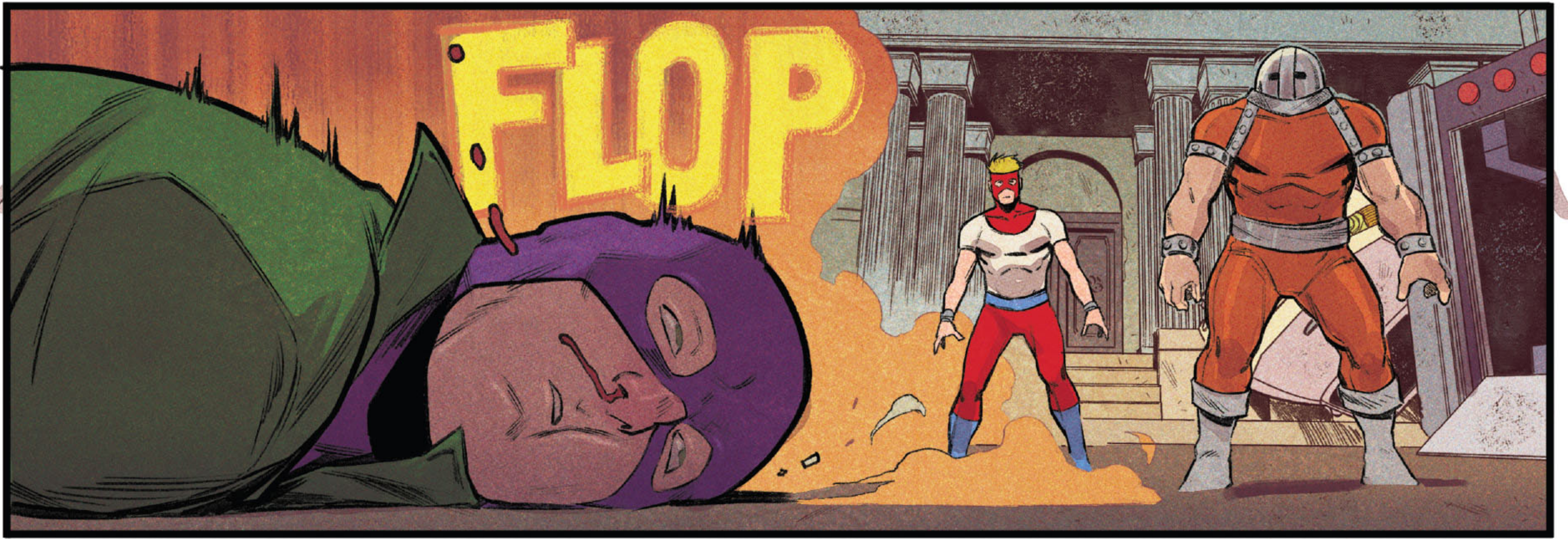
...رزم
نیاوردم.













منظورت چیه؟ من فقط اومدم بایه دوست قدیمی کمی حرف بزنم...

منظورم همینه. اومدی اینجا حرف بزنی.

ثوری که من می شناسم درباره مشکلاتش حرف نمی زنه...

از مشکلاتش فرار نمی کنه. مخفی نمی شه.

خوابی که دیدی. همون کابوس. ثانوس... زمستان سیاه... بلیک...

می دونم برات سخت بوده...

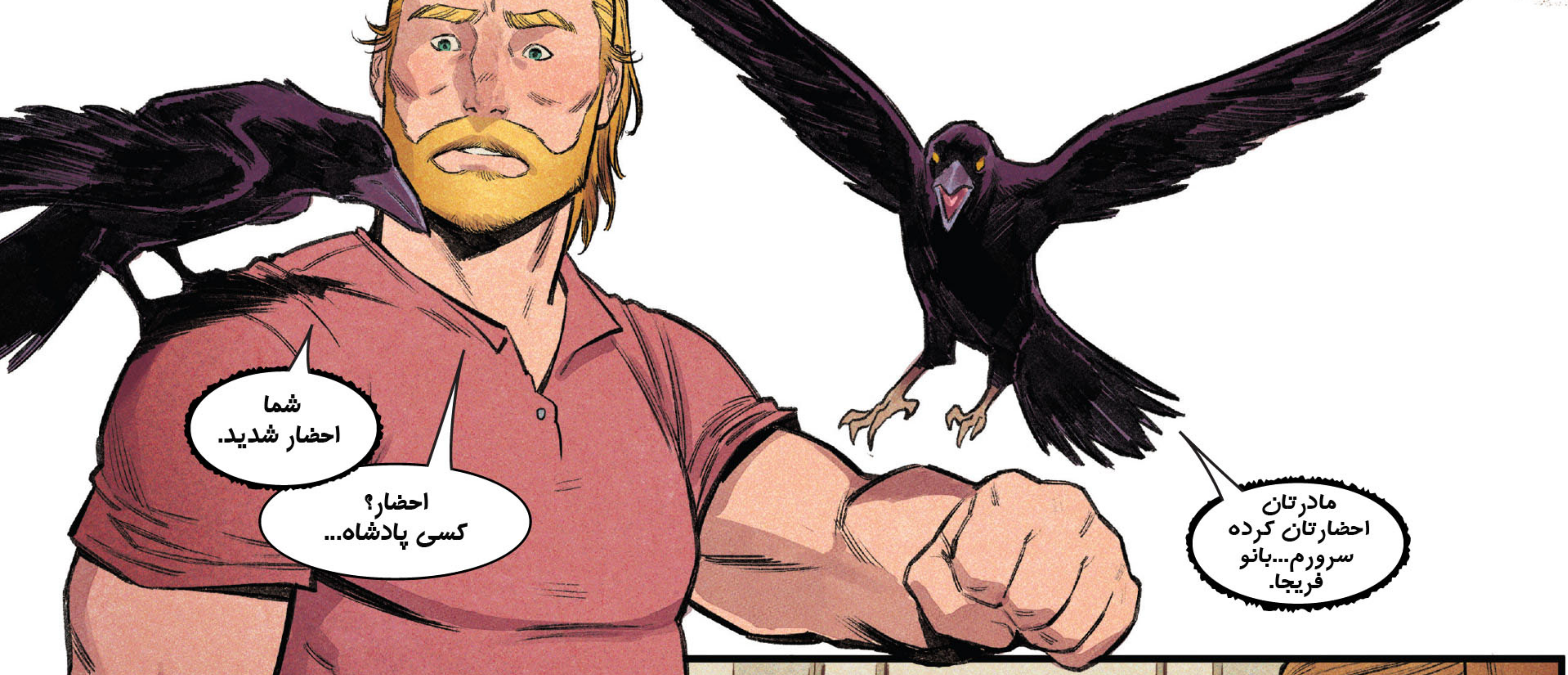


ولی... بهت بر نخوره... تو درباره پادشاه خوب بودن خیلی حرف می زنی... ولی الان اینجا پیش منی و هات داگ می خوری...

فقط...
...از چی می ترسی؟

ترس؟
ثور از چیزی نمی ترسه! فقط اومدم...

پادشاه من!



شما احضار شدید.

احضار؟
کسی پادشاه...

مادرتان احضارتان کرده سرورم... بانو فریجا.



چی داشتی گفتی؟

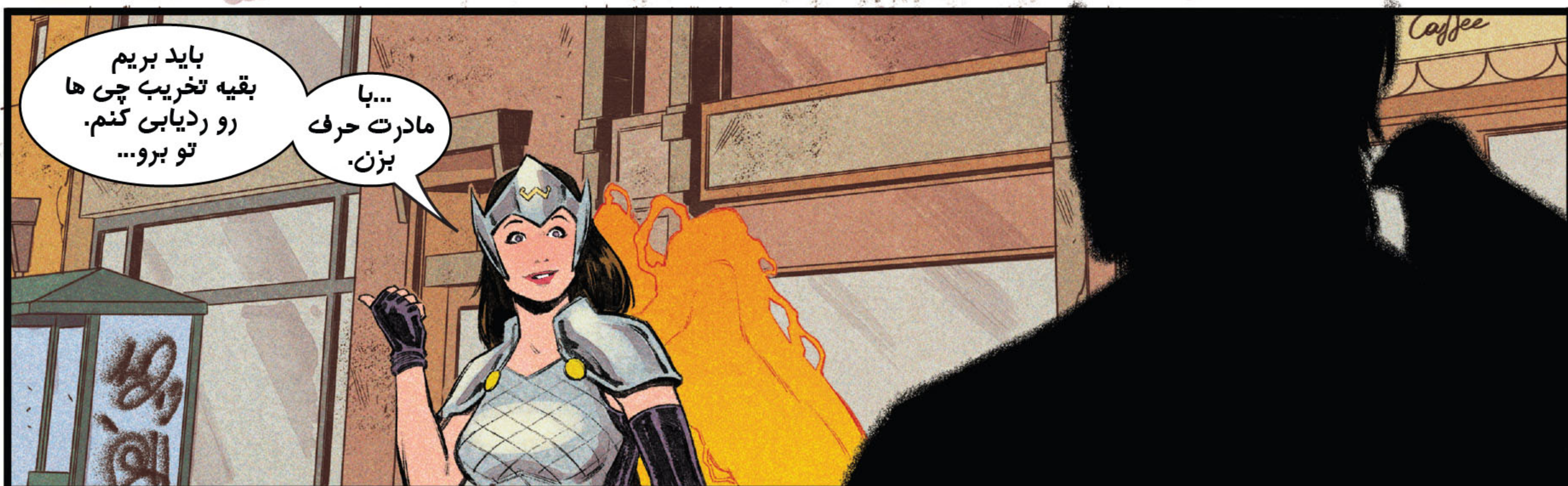


چی؟ مادرمه.
از چی باید
بترسم...

من چیزی
نگفتم.

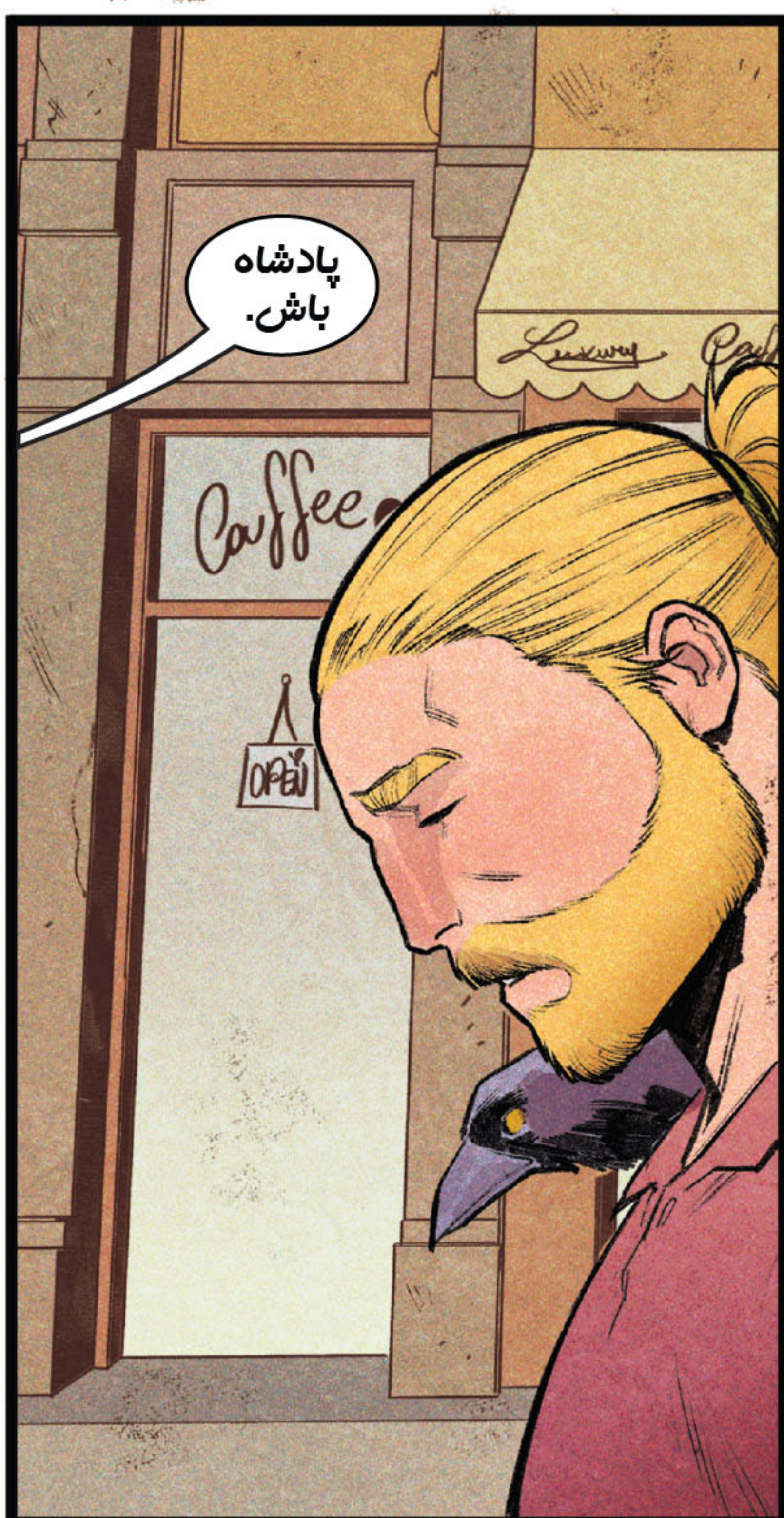
مشکلی
نداره.

کلاً.

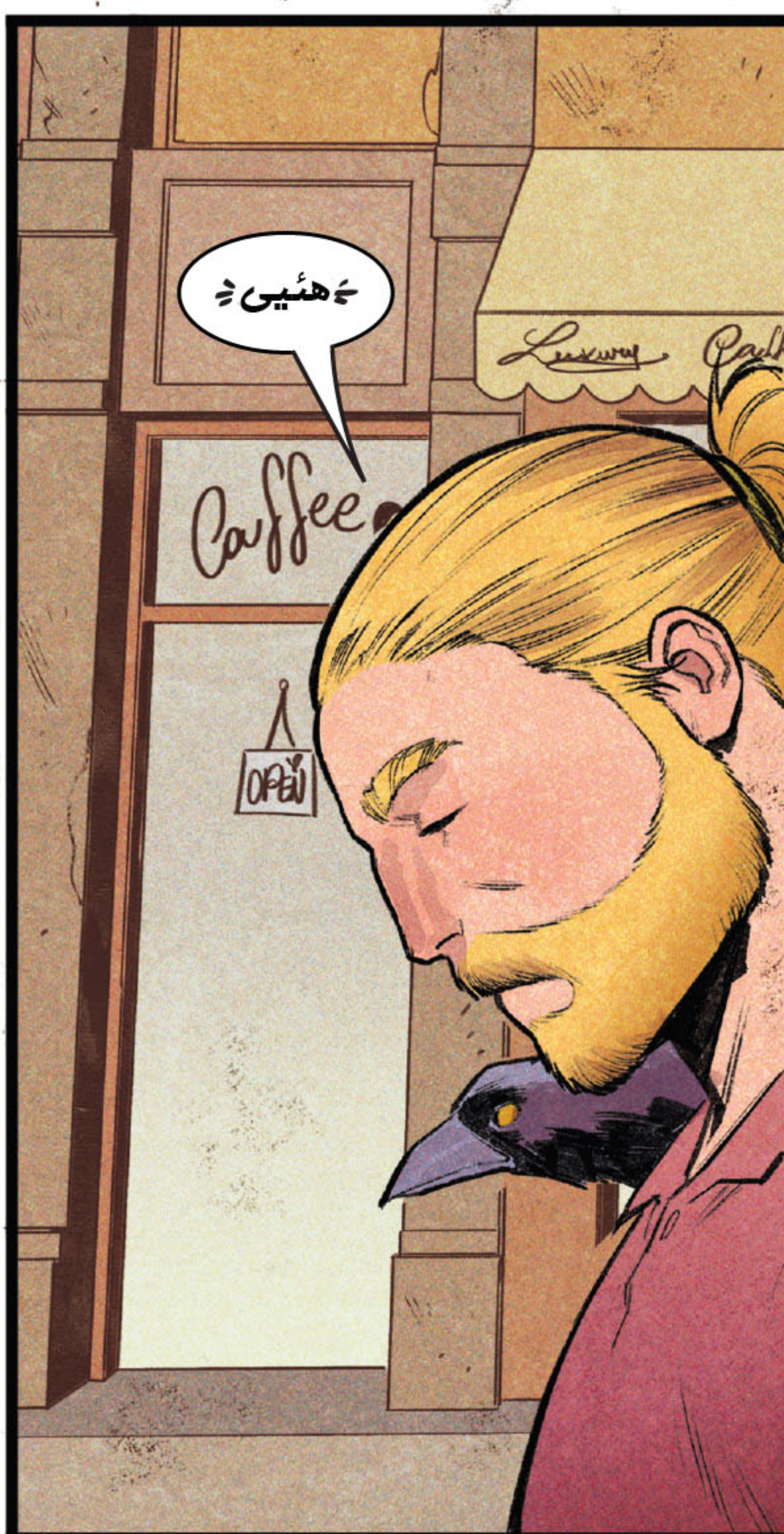


باید بریم
بقیه تخریب چی ها
رو ردیابی کنم.
تو برو...

با...
مادرت حرف
بزن.



پادشاه
باش.



نه هئیی

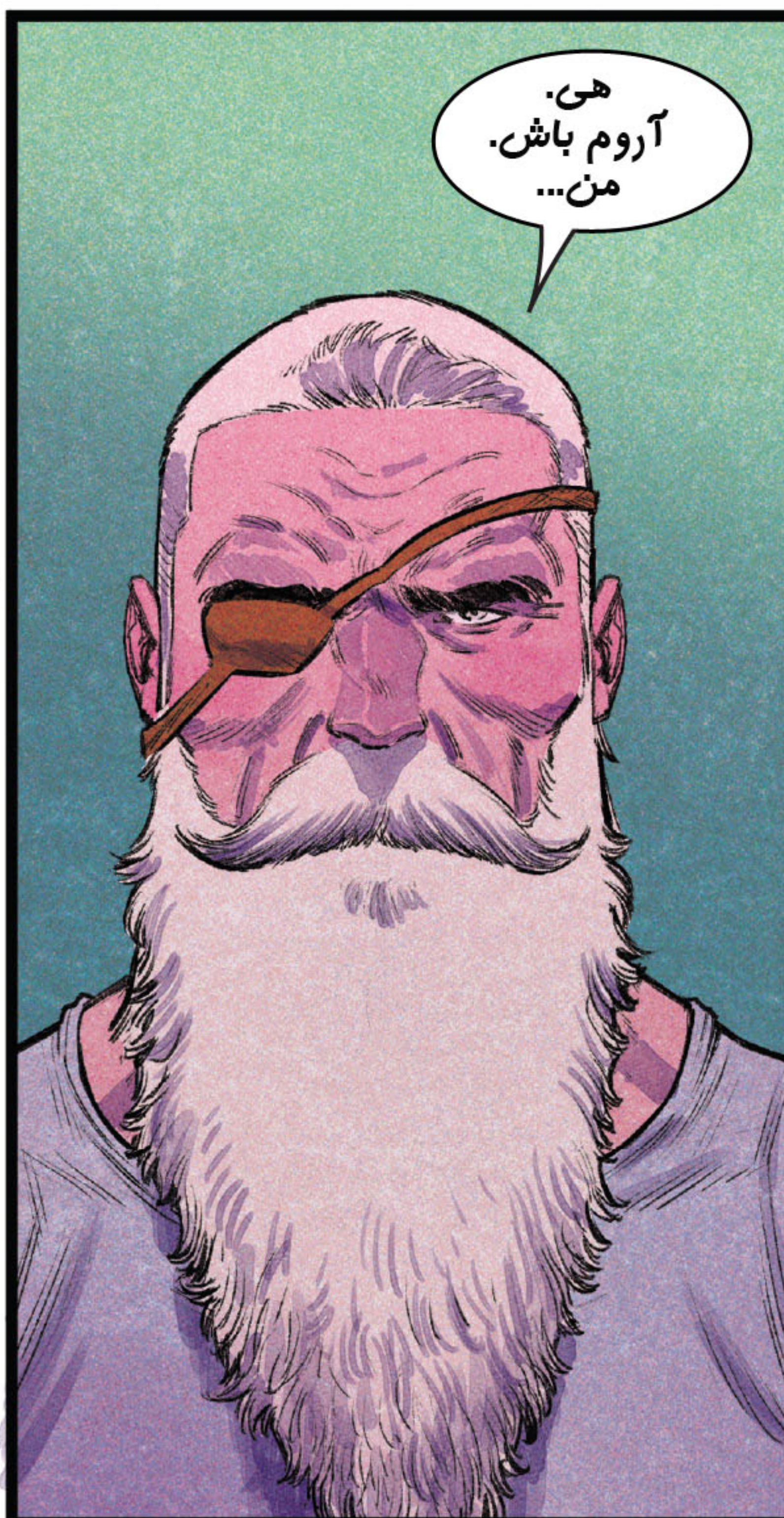


سیف؟



جنگل های آوازخوان منهایم.







RAGGH!!!



آآخخ!!!



اووووه!
امیدوارم راضی
شده باشی
پیرمرد!

قرن هاست
اینقدر راضی
نبودم!



آآخخ!!!...غرغرو
بذار کنار و...
حالا...



صبر کن...
پنتکت کجاست
پسر؟

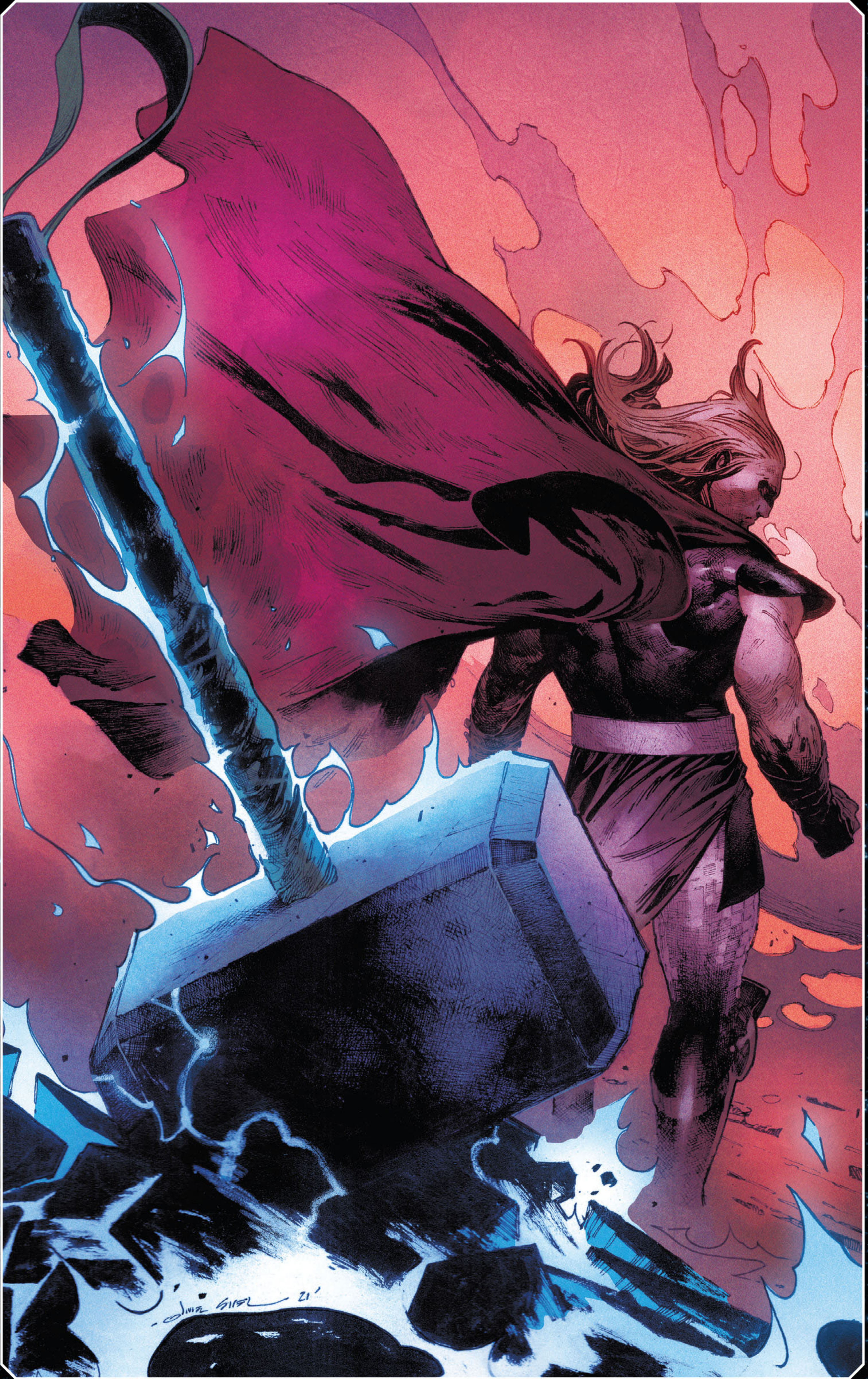


از دیدنت
خوشحالم پسر.

خواهرت
آنجلا و من باهات
حرف داریم.

ادامه دارد!!!

قسمت بعدی



MARVEL

16

LGY#742

GATES
BANDINI
D'AMICO
WILSON

TOR

BARROOM
BONDING
WITH
ODIN!

دورنام

dorname.ir

مربع کمیک های فارسی